روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۴۶ ■ شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۱ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲۹ آوریل ۲۰۰۶

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir - پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

آبادان	+۲۴+۳۴	بیرجند	+۱۴+۲۵	سنندج	+۴+۱۵	همدان	+۱۱+۲۱
اراک	+۴+۱۵	تهران	+۱۰+۲۱	شهرکرد	+۶+۱۵	یاسوج	+۱۵+۲۶
اردبیل	+۷+۱۰	تبریز	+۳+۱۵	شیراز	+۱۵+۲۵	یزد	+۱۴+۲۳
ارومیه	+۷+۱۹	خرم‌آباد	+۵+۱۶	قزوین	+۹+۱۱	دبی	+۲۲+۳۰
اصفهان	+۷+۲۲	رشت	+۹+۱۲	کرمان	+۱۵+۲۳	نجف	+۲۵+۳۸
اهواز	+۲۳+۳۶	زاهدان	+۱۷+۳۱	کرمانشاه	+۲+۱۰	مکه	+۱۹+۲۳
ایلام	+۱۲+۲۱	زنجان	+۵+۱۷	کاشان	+۷+۱۹	مدینه	+۲۴+۳۹
بجنورد	+۱۰+۲۱	زابل	+۱۸+۲۳	کیش	+۲۵+۳۲	لندن	+۷+۱۵
بندرعباس	+۱۹+۳۱	ساری	+۱۲+۲۱	گرگان	+۱۱+۲۱	پاریس	+۸+۱۶
بوشهر	+۲۷+۲۸	سمنان	+۱۱+۲۱	مشهد	+۴+۱۲	استانبول	+۲۴+۳۶

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۲ اذان مغرب ۱۹:۰۸ اذان صبح فردا ۳:۴۲

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

پاندورسا (تکرار)	پنج	۱۳/۰۰
خانه شماره ۱۳	یک	۱۶/۰۰
سریال گنجینه معبد (تکرار)	دو	۱۸/۰۰
سریال عشق را خط نزن	دو	۲۰/۰۰
سریال اولین شب آرامش	چهار	۲۰/۳۰
زندگی به شرط خنده	سه	۲۰/۱۵
دنیای افسانه‌ها	سه	۲۲/۳۰
نقش بر آب	یک	۲۲/۱۰
هشدار برای کبری ۱۱	پنج	۲۱/۰۰
ما و تئاتر	پنج	۲۳/۰۰

سینمای امروز

آتش بس
آفریقا - ایران۱- عصرجدید۳- پارس۱- بهمن۲ و آسیا- گلریز ۱- قیام- جوان ۲- تهران۱- المپیا

مربای شیرین
فرهنگ۲- ناهید- شیرین - پیام - سپیده۲ فلسطین۲- سعدی - اروپا- شاهد- شهر تماشا جی۲- کانون

یک تکه نان
فلسطین۲ - سپیده ۱

ازدواج به سبک ایرانی
قدس - ایران ۳ - صحرا - شهرقشنگ- فلسطین۱ مرکزی۲- جی۱ - فرهنگ ۱- ناهید- کارون گلریز۲- حافظ- رودکی- تهران ۱- پایتخت- میلاد

هوو
عصر جدید۱- تهران۲- جوان۱- فردوسی- سروش- جی۳- سعدی- ملت- مرکزی۳- دهکده المپیک- شیدا- ماندانا- کانون قدس- موزه سینما

زیر درخت هلو
استقلال - جوان ۲ - عصر جدید۳- گلریز ۱ مرکزی۱- بهمن۱- بلوار- آستارا - پیروزی- پیوند - ایران۲- جی۲- شقایق

تجسمی امروز

نمایشگاه نقاشی منیژه صحی
گالری هور ۸۸۹۵۱۶۶۴

نمایشگاه مجسمه و طراحی محمدعلی بنی اسدی
خانه هنرمندان ایران ۸۸۸۳۶۶۷۱

نمایشگاه عکس‌های مهدیار جمشیدی
نگارخانه سعدآباد

نمایشگاه خوشنویسی یدالله کابلی خوانساری
نگارخانه والا ۸۸۰۴۷۶۹۸

نمایشگاه نقاشی‌های علی گلستانه
نگارخانه اعتماد ۲۲۵۹۹۱۲۷

نمایشگاه طراحی گروهی
نگارخانه هما ۲۲۰۵۵۶۲۹

نمایشگاه گچ نگاره منصور خادم خراسانی
نگارخانه پاسارگاد ۲۲۵۴۰۴۰۷

نمایشگاه نقاشی بهار بهبهانی
نگارخانه اثر ۸۸۳۲۶۶۸۹

نمایشگاه نقاشی «نگاهی دیگر به طبیعت»
فرهنگسرای دانشجو ۸۸۷۱۷۱۹۵

نمایشگاه نقاشی
نگارخانه کمال‌الدین بهزاد ۸۸۹۶۰۴۵۳

تئاترهفته

دشمن مردم (اکبر زنجانپور)
تالار اصلی تئاترشهر- ۱۹/۰۰

تیغ و ماه (آتیلا پسیانی)
تالار چهارسو تئاترشهر- ۲۰/۰۰

شب بخیر جناب کنت و...
سالن قشقایی تئاترشهر- ۱۸/۳۰

سکوت (حسین مهکام)
تالار سایه تئاترشهر- ۱۹/۳۰

وقتی فرشته خواب سگ می بیند
تئاترشهر- ۱۸/۰۰

فرهنگ

لوریس چکناواریان و مرگ رستم

خبر ساز

لوریس چکناواریان پس از پایان یافتن نگارش اپرای سیاوش قصد دارد نگارش اپرای مرگ رستم را دو ماه دیگر آغاز کند. چکناواریان به شرق می گوید: این اپرا پس از «رستم و اسفندیار» و «رستم و سهراب» و «سیاوش» چهارمین قطعه ارکسترال من است که براساس داستان‌های شاهنامه فردوسی نوشته شده است.

لوریس چکناواریان همچنین دیروز به ایسنا گفت: تاکنون تنها صحبت‌هایی برای نگارش اپرای امام حسین(ع) شده و هیچ سفارشی درباره این اپرا به من نشده است. پیش از این اخباری منتشر شده بود که لوریس چکناواریان قرار است اپرایی در مورد امام حسین(ع) بنویسد. به گزارش ایسنا قبلاً چکناواریان دراین باره گفته بود: من روی این موضوع مطالعات بسیار زیادی کرده‌ام. اما فکر می کردم که ابتدا باید داستان سیاوش را به اجرا درآورم و بعد با تکمیل شدن تجربیاتم نگارش این اپرا را آغاز می کنم. اما در صورت نگارش این اپرا قطعاً یک اپرای مذهبی خواهد بود. وی همچنین گفته بود: نمی توانم بگویم که تعزیه است اما رنگ و بویی از موسیقی ملی ما دارد. من از زمان نگارش رستم و سهراب تحقیقات بسیار زیادی روی تعزیه کرده‌ام و در قسمت‌هایی از آن اپرا هم از ریتم‌های تعزیه بهره بردم.

اهدای نخستین جایزه نقد ادب و هنر

ادبیات

نخستین جایزه نقد ادب و هنر در مراسمی که روز چهارشنبه برگزار شد، برگزیدگان خود را معرفی کرد. پروین سلاجقه، شهلا زرلکی، ساسان فاطمی، علی اصغر قره‌داغی و خسرو دهقان انتخاب هیات داوران اولین دوره این جایزه بودند. داوران در بیانیه‌ای که شاهرخ تندروصالح - دبیر اجرایی جایزه - آن را خواند، دلایل انتخاب برگزیدگان خود را اعلام کردند: پروین سلاجقه به‌خاطر تلاش در عرصه نقد شعر و ادبیات کهن ایران، شهلا زرلکی به‌خاطر تلاش در نوشتن نقد ادبیات داستانی ایرانی و خارجی، دکتر ساسان فاطمی، به‌خاطر ارائه مباحث نظری نقد موسیقی، علی اصغر قره‌داغی به‌خاطر تلاش در شناساندن هنرهای تجسمی مدرن ایران و جهان و خسرو دهقان به‌خاطر تلاش در عرصه نقد آثار سینمایی ایران و جهان. محمود دولت‌آبادی و امید روحانی در ادامه این مراسم سخنرانی کردند.

سپس احمد مسجدجامعی، احمد بورقانی و جلال رفیع هدیه‌های چهار منتقد تجلیل شده را اهدا کردند: قیصر امین‌پور به‌خاطر راهگشایی در نقد ادبی، حسن میرعابدینی به‌خاطر پژوهش و نقد در قلمرو یک‌صد سال داستان‌نویسی ایران، عنایت سمیعی به‌خاطر تلاش در عرصه نقد ادبی و محمدرضا گودرزی به‌خاطر تلاش در عرصه نقد ادبیات داستانی تقدیر شدند. رضا سیدحسینی، هوشنگ مرادی کرمانی، احمد گلشیری، فتح‌الله بی‌نیاز، کیومرث منشی‌زاده، ، فاطمه راکعی، عباس پژمان، حافظ موسوی، ناهید توسلی، نگار اسکندرفر، حسن کیائیان و . . . از حاضران در این مراسم حضور و محمود دولت‌آبادی، عبدالعلی دستغیب، امید روحانی و مدیا کاشیگر نیز از اعضای هیأت داوران بودند.

کیانیان در شرق

مهمان روز

چهارشنبه ظهر رضا کیانیان مهمان شرق بود. به راستی هم مهمان بود یعنی بروبچه‌های شرق و اخص آنها گروه ادب و هنر هیچ چشمداشتی نسبت به حضور کیانیان مثلاً برای گفت‌وگویی یا گرفتن یادداشت و مقاله‌ای نداشتند و فقط قصد، ساعاتی هم‌نشینی و هم‌صحبتی بود. کیانیان گذشته از بازی‌اش که در عین بلوغ و توانایی معمولاً به یادماندنی است، خودش نیز محضر بسیار گرمی دارد و وقتی با او هستی احساس می کنی وجوه دیگر شخصیت این هنرمند نیز حائز اهمیت است. در باب جامعه و سیاست ورود دارد و نگاهش به مسائل جاری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (نه مانند برخی هنرپیشگان و هنرمندان که گویا در جزایر دوری از سرزمین ما می زیند) بسیار دقیق و ملموس است. اتفاقاً بیشتر لحظاتی که با او گذراندیم توصیه‌اش یافتن راهی برای اصلاح معضلات دامنگیر اجتماع با ابزار روزنامه بود. پاسخ سردبیر نیز به گفته‌های کیانیان این بود که: با قلمی که در شما سراغ داریم چرا خودتان دست به کار نمی‌شوید و گهگداری مسئله‌ای را قلمی نمی‌کنید. مبحث دیگر نشست ما با کیانیان متمرکز بود بر پرسوناژهای متنوعی که او در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف بازی کرده است. به خصوص که در اغلب آنها تصویر جدیدی از آن شخصیت را به جامعه ارائه کرده. همکاران به اتفاق درباره سلحشور آژانس شیشه‌ای معتقد بودند (با توجه به شغل‌شان که مواجهه با آدم‌های سیاسی گوناگون را الزامی می‌کند) سلحشور بسیار دقیق ساخته و پرداخته شده است. این تکامل البته در روحانی کیف انگلیسی نیز بسیار قوام‌یافته بود و حتی در قاضی دوران سرکشی که چهره‌ای متفاوت با تمامی قضات تصویر شده در این سال‌ها داشت. کیانیان هم مثل همیشه با فروتنی از استقبال جامعه نسبت به این شخصیت‌ها گفت و گفت که برخی از این چهره‌ها را از کدام آدم‌های واقعی الهام گرفته و کدام یکی‌شان صرفاً پرداخت و تحلیلی است که خود از نقش داشته است. کیانیان همچنین از بازتاب مطلبی گفت که در روزهای اول انتشار روزنامه در سال جدید از او چاپ کردیم؛ مقاله‌ای درباره پیش‌بینی‌هایی که نسبت به سینما در سال جدید دارد. برایش بسیار جالب بود که آن مطلب چنین بازتابی را در دوستان و اطرافیانش داشته است که نسبت به مقالاتی که در نشریات تخصصی می‌نویسد بسیار فراگیرتر بوده است و این بهانه‌ای شد که از او بخواهیم باز هم برایمان بنویسد. وقتی می‌آمد هوای ششم اردیبهشت ابری بود. خشنود بود که در انتهای بلوار گلشهر جای پارک پیدا می‌شود. وقتی از اوضاع و احوال می‌گفت ابرها تیره‌تر شدند و صاعقه زدند. هنوز بدرقه‌اش نکرده بودیم و جلوی دوربین عکاسی روزنامه در حیاط بود که رگبار بهاری آغاز شد. پا را از در روزنامه بیرون نگذاشته بود که چند لحظه‌ای رگبارها به تگرگ بدل شدند.

«اهل مطالعه» و نگاه نو

مجله

میلاد جم: برای خیلی‌ها از جمله من، دیگر کیوسک روزنامه‌فروشی آن افسون سابق را ندارد. افسون روی جلد مجلاتی که با دیدن عناوین و نام نویسندگانشان ناخودآگاه دستمان را در جیب می‌کردیم که ببینیم چقدر پول باقی‌مانده است تا بلافاصله مجله را بخریم. شمار آن مجلات به نسبت چند سال قبل بسیار کم شده و از همین تعداد کمی که باقی‌مانده «نگاه نو» یکی از آنها است. روی جلد این شماره هم با تصویر بزرگی از نجف دریابندری و اسامی نویسندگان معروف داخلی و خارجی، هر خواننده حرفه‌ای کتاب و مجله را وامی دارد که وقتی برای خواندن آن بگذارد. «سپاسگزاری از همکاران سال ۸۴» و «نامه به نگاه نو» مطالب آغازین شصت و نهمین نگاه نو است و بعد از آن در بخش «اندیشه و فرهنگ» می‌توانید مطالبی چون «هویت و ایدئولوژی» از محمدرضا نیک‌فر، «یک رویا و دو روایت» از حورا یاوری، «نامه‌ای به یک دوست نسبتاً مرده» از جواد مجابی، «دانشجو، دانشگاه و روزگار ما» از محمدرحیم اخوت و «چرا پازولینی را کشتند؟» از علی امینی‌نجفی بخوانید. بخش ویژه این شماره اختصاص به کارنامه ادبی نجف دریابندری دارد که این مطالب به چشم می‌خورد: «نجف از آبادان تا تهران» از سیروس علی‌نژاد، «دریابندری؛ مترجم، نویسنده، منتقد، طراح و . . .» از احمد سمیعی (گیلانی)، «نجف دریابندری و حقی ادا نشده» از عبدالحسین آذرنگ و همچنین نوشته‌ها و ترجمه‌هایی از خود استاد دریابندری. «نامه فروغ فرخزاد به احمدرضا احمدی»، شعرهای محمد حقوقی، یدالله رویایی، علیرضا آبیز و غلامحسین اولاد از مطالب ادبیات و هنر است و «خاطرات ما»، «درباره ترجمه رمان بادبادک‌باز» از علی میرزایی و تازه‌های کتاب مطالب بخش کتاب را تشکیل می‌دهد. در بخش خبر و رویداد هم می‌توانید مطالبی پیرامون ابراهیم گلستان، عزت‌الله فولادوند و . . . بخوانید. شصت و نهمین نگاه نو را با قیمت ۱۳۰۰ تومان از روزنامه‌فروشی‌های معتبر بخواهید و به «اهل مطالعه» پیشنهاد می‌کنیم خواندن این شماره را از دست ندهند.

ماندلشتام شاعر روس در بخارا

مجله

چهل و نهمین شماره بخارا با سردبیری علی دهباشی در ۴۳۲ صفحه منتشر شد. اوسیپ ماندلشتام موضوع این شماره بخارا است. اوسیپ ماندلشتام شاعر برجسته روسیه است که از جمله پیشوایان جنبش آکمه‌ایسم در ادبیات روس به‌شمار می‌رود. ماندلشتام به‌خاطر آزادی‌خواهی و حقیقت‌جویی مورد غضب استالین قرار گرفت. بارها به زندان افتاد و سرانجام در ۲۷ دسامبر ۱۹۳۸ در یکی از اردوگاه‌های کار اجباری به علت کار با اعمال شاق در اوج بیماری از پای درآمد. در این شماره بخارا علاوه بر سالشمار زندگی ماندلشتام مقاله «ماندلشتام یک دور تمام» نوشته ویکتور تراس آمده است. خاطرات آنا آخماتووا از ماندلشتام از بخش‌های خواندنی این شماره است. مقاله «پرونده بازجویی ماندلشتام در کاگ‌ب» پرده از شیوه‌های وحشتناک دستگاه استالین در برخورد با هنرمندان برمی‌دارد. در قسمت دیگری از خاطرات همسر وی نادژدا بخش‌هایی خواندنی انتخاب شده که تصویری از جریانات و مناسبات روشنفکری روسیه در بعد از انقلاب اکتبر به‌دست می‌دهد. سرودهای ماندلشتام توسط رضا سیدحسینی، احمد پوری، عبدالله کوثری، رضا براهنی و علی عبداللهی انتخاب و ترجمه شده است که روشنگر فضای ذهنی شاعر و توانایی‌های او در عرصه شاعری است. از میان مقالات ماندلشتام هشت مقاله انتخاب شده که درباره شاعر از خویش می‌گوید، پایان رمان و . . . که توسط ابراهیم یونسی، سعید فیروزآبادی، آبتین گلکار و امید روحانی به فارسی ترجمه شده است. و آخرین بخش مجله اختصاص به نامه‌های ماندلشتام دارد که حکایت‌گر ناگفته‌های زندگی این شاعر بزرگ روس است. بخارا در کتابفروشی‌های سراسر کشور عرضه می‌شود.

حضور زنان در استادیوم

نگاه طراح

جمال رحمتی

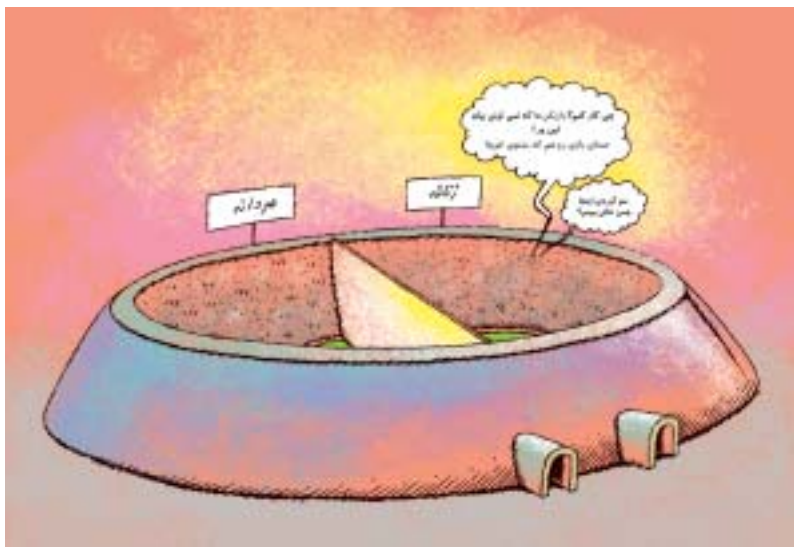

دو کتاب تازه از محمد قوچانی در نمایشگاه کتاب

نشر سرایی در نمایشگاه کتاب تهران دو کتاب تازه از محمد قوچانی منتشر می کند. «پدرخوانده و راست‌های جوان» یکی از این دو کتاب است که در ۳۸۰ صفحه چاپ شده است و ناشر در انتظار مجوز ترخیص کتاب است تا آن را در نمایشگاه کتاب توزیع کند. قوچانی در مقدمه کتابش با اشاره به اینکه ۶ سال قبل هم کتابی به نام «پدرخوانده و چپ‌های جوان» منتشر کرده، نوشته است: پنج سال پیش، از مجموعه مقالاتم درباره انتخابات پارلمانی ۱۳۷۸ کتابی منتشر کردم که «پدرخوانده و چپ‌های جوان» نام داشت. عمده مقالات آن کتاب درباره رابطه اصلاح‌طلبان (چپ‌های جوان) با اکبر هاشمی‌رفسنجانی بود که سعی می‌کرد ریاست مجلس ششم را به دست آورد و مانعی بر سر راه حاکمیت مطلق اصلاح‌طلبان بر ایران محسوب می‌شد. اکنون این کتاب چهره‌ای جدید از پدرخوانده را نشان می‌دهد؛ عمده مقالات کتاب «پدرخوانده و راست‌های جوان» درباره رابطه اصولگرایان (راست‌های جوان) با اکبر هاشمی‌رفسنجانی است که سعی می‌کرد ریاست دولت را به دست آورد و مانعی بر سر راه حاکمیت مطلق اصولگرایان بر ایران محسوب می‌شد. اما هاشمی در هر دو رقابت شکست خورد. در انتخابات مجلس ششم گرچه به مقام سی‌ام رسید و می‌توانست نماینده مردم تهران شود، محال بود که رئیس نمایندگان مردم ایران شود. در انتخابات ریاست جمهوری نیز اگرچه در مرحله اول (۲۷ خرداد) به مقام اول دست یافت، در مرحله دوم (۳ تیر) مقهور رای محمود احمدی‌نژاد شد و در (احتمالاً) آخرین رقابت عمر خویش، رئیس جمهور نشد. هاشمی این بار البته نماینده ناگزیر همان نسل جدید جناح چپ (اصلاح‌طلبان، چپ‌های جوان) بود که به مصاف نسل جدید جناح راست اصولگرایان (راست‌های جوان) شتافته بود و از سوی همان کسانی حمایت می‌شد که روزی از منتقدان جدی وی بودند، چه آنان در آستانه حذف از حاکمیت قرار داشتند. اگر روزگاری او به اتکای جناح‌های سنتی چپ و راست ایران می‌توانست در میانه بنشیند و قدر بیند و بر صدر بنشیند، گذر زمان ثابت کرد که جناح‌های جدید چپ و راست ایران متکای خوبی برای به قدرت رسیدن او نیستند. ظرفیت روحی هاشمی برای فعالیت سیاسی در دهه ۶۰ و ۷۰ زندگی جالب توجه است، اما گویی این ظرفیت روحی برای پیروزی کافی نبود. با وجود این هاشمی همچنان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تحولات سیاسی ایران است. طی پنج سال (از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴) کنش‌های سیاسی او نشان داد جامعه در معرض آرایش جدیدی از نیروهای سیاسی است که می‌توان آن را با دوگانه «چپ‌های جوان/ راست‌های جوان» توصیف کرد. در این صحنه مجمع روحانیون مبارز به همان اندازه غایب است که جامعه روحانیت مبارز و حزب مشارکت ایران اسلامی به همان اندازه حاضر است که ائتلاف آبادگران ایران اسلامی. محمدرضا خاتمی و محمود احمدی‌نژاد دو تیپ ایده‌آل این دوره از رقابت‌های سیاسی در ایران هستند که بدون شک در دهه ۸۰ سهم مهم‌تری از تحولات سیاسی ایران را بر عهده خواهند گرفت. طرحی از زمینه‌های ظهور و افول این دو جریان سیاسی جوان و عقبه‌های کهنسال آنان را در این کتاب خواهید خواند. پدرخوانده و راست‌های جوان محصول دو سال سرمقاله‌نویسی من در روزنامه شرق است. روزنامه‌ای که به سختی توانسته است در پوست‌اندازی جناح‌های سیاسی ایران راوی این تحولات باشد. در بخشی از این تحولات ما خود بازیگر بودیم، اما در عمده ایام از سطح ناظر فراتر نرفتیم. به همین دلیل است که می‌توان این کتاب را به عنوان وقایع‌نگاری واپسین سالیان اصلاح‌طلبی و نخستین سالیان اصولگرایی خواند.

خواندنی ها

کتاب دیگر قوچانی «سه اسلام» نام دارد که به رابطه دین و سیاست می‌پردازد. این کتاب نیز در ۲۰۰ صفحه منتشر شده است و قوچانی محتوای آن را در مقدمه‌اش چنین توضیح داده است: افول جنبش اصلاح‌طلبی دینی در دهه ۸۰ محدود به حوزه سیاست نبود. از آنجا که این جنبش براساس مبانی معرفتی و دینی شکل گرفته و پیروز شده بود با شکست آن مبانی معرفتی و دینی جنبش نیز مورد تردید قرار گرفت. مهم‌ترین این مبانی مفهوم «روشنفکری دینی» بود مفهومی که در فاصله سالیان ۱۳۷۶- ۱۳۶۸ فربه و فرهمند شد و دل‌ها را ربود. دکترین سیاسی این جریان فکری «حکومت دموکراتیک دینی» بود و حاملان آن انقلابیان جوانی که به اصلاح‌طلبانی میانسال تبدیل شده بودند و در گذر زمان دموکراسی‌خواهی را جانشین انقلابی‌گری کرده بودند. سیدمحمد خاتمی به عنوان نماینده این جریان سیاسی فکری هشت سال در راس دولت قرار گرفت و بخشی از صورت‌بندی سیاسی- ایدئولوژی روشنفکری دینی را نشان داد. جنبشی که خیلی زودتر از آنچه گمان می‌کرد به پیروزی رسید. در حالی که برای بسیاری از مسائل راه‌حل نداشت، یا درباره راه‌حل آنها اندیشه نکرده بود. به همین دلیل به موازات افول اصلاح‌طلبی سیاسی، اصلاح‌طلبی دینی هم افول کرد و روشنفکری دینی از سوی روشنفکری عرفی مورد نقد قرار گرفت. روشنفکری عرفی، مدعی بود که پروژه اصلاح‌طلبی دینی به پایان رسیده و سرمشق جهانی مبتنی بر سکولاریسم و لیبرالیسم می‌تواند راه را ادامه دهد. در این میان تغییر گرایش برخی روشنفکران دینی سابق یا سکوت برخی دیگر در برابر موج سکولاریسم روشنفکران عرفی را بدین سو هدایت کرد که خواهان توبه روشنفکران دینی شوند. اما درست در همین زمان اتفاق دیگری در همسایگی ایران رخ داد. صورت‌بندی تازه‌ای از ترکیب دین و دولت در افغانستان تحت سلطه آمریکا و تشیع و تجدد در عراق تحت فرمان آمریکا شکل گرفت که از یک سو در مرزهای شرقی ایران یک «جمهوری اسلامی» دیگر ایجاد کرد و از دیگر سو در مرزهای غربی ما یک «دولت شیعه» به وجود آمد. نقش ویژه آیت‌الله سیستانی در تحولات عراق نیز نوعی دیگر از رابطه دین و دولت و مرجعیت و حکومت را در اوج تمایل به سکولاریسم در ایران نشان داد که در عین حال واجد استقرار نظام دموکراسی در خاورمیانه جدید بود. مقالات این کتاب در چنین فضایی نوشته شده است و بازبینی پاره‌ای مفاهیم تاریخی و نظری درباره نسبت دین و دولت و به طور خاص تشیع و تجدد است. فرض ما بر این نکته استوار است که بر مبنای اسلام شیعی می‌توان رابطه‌ای میان دین و سیاست یافت که هم سنت‌گرایانه باشد و هم آزادیخواهانه. با تبارشناسی اندیشه شیعه می‌توان گفت، امکان تکوین گونه‌ای و نوعی مدرنیته بومی در تاریخ این مذهب وجود دارد. چنین قرائتی از اسلام در حقیقت معطوف به پذیرش چهار مفهوم پایه است: اول پذیرش اسلام به عنوان یک فرهنگ نه ایدئولوژی؛ دوم پذیرش اسلام به عنوان یک انتخاب فردی نه هنجار حکومتی؛ سوم پذیرش اسلام به عنوان یک دین آزادیخواهانه نه اقتدارگرایانه و چهارم پذیرش اصلاح‌طلبی به عنوان احیای سنت اجتهاد مستمر در مذهب شیعه. این مفاهیم در فصل اول کتاب بررسی شده است. در فصول بعدی نمونه‌های تاریخی تشیع و عینیت این مذهب در عملکرد نهاد مرجعیت و روحانیت (به عنوان یک نهاد مدنی بومی) بررسی شده و در انتها به پاره‌ای تلاش‌های روشنفکران دینی اشاره شده است. جان کلام آنکه به نظر می‌رسد اگرچه سیاست ما از دیانت ما جدا نیست، دیانت هم عین سیاست نیست. اگر مطالعه این کتاب نشان دهد که رابطه دین و سیاست، دست‌کم در تشیع، پیچیده‌تر از نظریه‌های مرسوم است، نویسنده خود را موفق خواهد دانست.

اصغر فرهادی در تئاتر

خبر ساز

اصغر فرهادی کارگردان سینما و کارگردان فیلم چهارشنبه‌سوری قصد دارد امسال در عرصه تئاتر فعالیت کند و نمایشی را روی صحنه ببرد. فیلم چهارشنبه‌سوری روزهای پایانی نمایش خود را پشت سر می‌گذارد و فرهادی فعلاً مشغول نگارش فیلمنامه‌ای برای خودش و فیلمنامه‌ای دیگر برای پریسا بخت‌آور است. مانی حقیقی هم فیلمنامه‌ای نوشته به نام کنعان که فرهادی به عنوان همکار در بازنویسی به وی کمک خواهد کرد. فرهادی از چند سال قبل تا امروز با تلویزیون همکاری نداشته است ولی به گزارش ایرانیوز درباره پروژه‌ای که رسول صدرعاملی قصد دارد درباره زائران حرم امام رضا(ع) بسازد ایده‌هایی را به او ارائه داده که ظاهراً این ایده‌ها مورد پسند صدرعاملی واقع شده است. اما فیلمنامه را صدرعاملی به همراه کامبوزیا پرتوی می‌نویسند.

اخبار اندیشه

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

دو سه روزی ـ کمی بیشتر- بین من و شما فاصله افتاد و به‌جای نقل‌قول پیرمردان قلندر «اخبار اندیشه» به چاپ رسید. این ابتکار شرق که به‌جای «سری که درد نمی‌کند» اخبار اندیشه چاپ می‌کند قابل ستایش است و این فکر از آن هر کس که بوده فکر کم خطر و بی‌ضرر و بدیعی بوده است که می‌تواند جلوی فاجعه‌هایی جبران‌ناپذیر را بگیرد. پیرمردان حواسشان نبوده و من هم که از بد حادثه دچار پیری زودرس شده‌ام، شاخک‌های حساسی ندارم که مخاطرات و موضوعات ممنوعه و موارد «از دسترس اطفال و جوانان و میانسالان و پیران دور نگه داشته شود» را حس کنم و مراقب باشم که مبادا فرمایشات قلندران پیژامه‌پوش به این سمت و سوها کشیده شود. هزاران بار خدا اموات شرقی‌های باهوش و ذکاوت را بیامرزد که مراقب این چیزها هستند و در مواقع احساس خطر چند سانت یا بیشتر اخبار اندیشه چاپ می‌کنند. بعضی وقت‌ها پیش خود می‌گویم کاش این ابتکار زودتر کشف شده بود و به‌جای بعضی مقالات اکبر گنجی اخبار اندیشه چاپ شده بود و او از دادگاه و زندان و روزه مدام در امان مانده بود. شاید ـ بله تحقیقاً- اگر اخبار اندیشه فراگیر شده بود امروز خیلی از روزنامه‌های لنگ در هوا دایر بودند و صدها نفر نان‌خور سر کارشان بودند و خیلی از نویسندگان مهر «غیرقابل مصرف» روی پیشانی‌شان نخورده بود. . . هنوز هم دیر نیست. جلوی هر ضرری را می‌شود با درج اخباری درباره سمینارهای فلسفی و سخنرانی‌های سنت و مدرنیسم و اینکه برای چه فیلسوفی در کجا بزرگداشت گرفته‌اند، گرفت. من حتی از این فراتر می‌روم و به ناشرین کتاب‌های مسئله‌دار که مدت‌های مدید است کتابشان برای دریافت مجوز چاپ معطل مانده توصیه می‌کنم که به‌جای صفحات مسئله‌دار، اخبار اندیشه چاپ کنند و خیال خودشان و ارشاد و خواننده بیچاره را راحت کنند. با این تدبیر حتی «اولیس» جیمز جویس هم قابل چاپ می‌شود و به قول آقای کپورچالی با این روش، مشکل تلویزیون هم حل می‌شود و می‌تواند موقع پخش فیلم‌های سینمایی به جای صحنه‌های مسئله‌دار- اعم از اینکه لباس هنرپیشه‌ها نامناسب است یا اختلاط بیش از آنچه مجاز است بین زن و مرد فیلم برقرار شده و . . . - اخبار اندیشه بگنجاند که هم مردم موقع دیدن فیلم دچار مشکل نشوند و هم چیز یاد بگیرند و اطلاعاتشان افزایش پیدا کند. . . چه مصارف عجیب و فراگیری که برای این نوع از اخبار به ذهن نمی‌رسد، بگذریم. می‌ترسم یک وقت برای تو خواننده خوب و مهربان، سوءتفاهم پیش بیاید و گمان کنی که در لحن حقیر اندکی- ولو اندکی- طعنه و متلک و خدایی نکرده نیش دوستانه نهفته است و از اینکه به‌جای کرگدن‌نامه، اخبار اندیشه، این ستون را پر کرده است، من و پیرمردان دلگیر شده‌ایم، حال آنکه چنین نیست و ما شادمانیم و سپاسگزاریم که سلامتی و امنیت خود را فدای نکته‌ای بانمک درباره [. . .] نکردیم و شاکریم که بزرگان شرق حواسشان به همه‌جا هست و مراقب اوضاع هستند و آن ماهی سرخ خطرناک را که از دست ما در رفته می‌گیرند. خدا چراغ روزنامه‌شان را هرگز خاموش نکند. ان‌شاءالله. اما این چند روز دوری از شما یکی دو فایده هم برای من داشت که یکی آن بود که من فهمیدم قلندران بی‌کس و کار نیستند و برای خود رفقای ندیده‌ای دارند که به محض اینکه قرار ملاقات هر روزی به هم می‌خورد و دیدار میسر نمی‌شود نگران می‌شوند و زنگ می‌زنند و ای‌میل می‌زنند و نامه می‌نویسند. نمی‌دانید خواندن نامه رفیقی که به واسطه همین «کرگدن‌نامه» برای خود در آن طرف دنیا پیدا کرده‌اید، چه لطفی دارد و آدم دچار چه بهجتی می‌شود وقتی می‌بیند که دوستی ندیده و نشناخته، احساس صمیمیت می‌کند و آنچه را در دل دارد- چنانکه برای نازنین رفیق یکدل خود بگوید- به آدم می‌گوید. حالا دیگر قلندران هر جا که بروند، رفقایی دارند که ندیده می‌شناسندشان و من هم طفیلی آنها مورد لطف و محبت خوانندگان شرق قرار می‌گیرم. این مسئله تا آنجا جدی است که من با اجازه زعمای شرق بر آن شدم تا روزهای پنجشنبه را به «پاسخ به نامه‌ها» اختصاص دهم. کافی است شما روی پاکت نامه‌ای که می‌فرستید بنویسید «لطفاً برسد به دست قلندران پیژامه‌پوش» یا چیزی که نامه‌رسان متوجه شود که باید کاغذ را به دست من برساند، آن وقت من و احتمالاً پیرمردان نامه را می‌خوانیم و روز پنجشنبه پاسخش را می‌دهیم. البته این مسئله شامل ای‌میل‌های «فینگلیشی» نمی‌شود که من به آنها پاسخ فینگلیشی از همان طریق خواهم داد. پس پنجشنبه به پنجشنبه نگفته‌ها و گفته‌هایتان را بفرستید که به این وسیله جلوی رشد و گسترش بی‌حد اخبار اندیشه را هم گرفته باشیم. اما فایده دیگری هم- هر چند کم و مختصر- این تعطیلی دو سه روزه- یا کمی بیشتر- داشت و آن اینکه پیرمردان به من اجازه دادند تا روزهای شنبه به تنهایی «کرگدن‌نامه» را اداره کنم و یک‌تنه در سیاه‌کردن ستون بکوشم. اینکه شنبه‌ها چه خواهم گفت را نه امروز که شنبه‌ای که از راه برسد خواهید فهمید. دیگر زیاده جسارت است. از شرق و از همه شما ممنون. منتظر نامه‌هایتان- و ای‌میل‌هایتان ـ هستم. عمر شرق و شما و پیرمردان و من مستدام.

mirfattah@yahoo.com

ادامه از صفحه اول

فوتبال زنان در تهران

خیلی بعید به نظر می‌رسید این همه چست و چابکی از بازیکنان ایرانی که در نخستین تجربه‌های حضورشان در روی چمن این قدر خوب ظاهر شوند. بازیکنان تکنیکی ایران که شاید نقطه ضعفشان ضربه‌های سر بود وگرنه در دریبل کردن و لایی زدن چیزی از همتاهای مذکرشان کم نداشتند.

در حال مقایسه این بازی با بازی مردان بودم و در کمال بی‌رحمی دلم می‌خواست توی زمین یک مصدوم هم داشته باشیم تا ببینیم برای حمل مصدوم به بیرون زمین چه تدب